

تفسیر کتاب الله و نسخه های آن

محمد کاظم رحمتی

مقدمه

دانش و آگاهی ما از مسائل فرهنگی جامعه زیدیان ایران در قرون هفتم تا دهم هجری بسیار اندک است، هر چند آثار تاریخ نگاری از برخی ادوار قرون اخیر در دست است اما توجه اصلی متون اخیر بر تاریخ سیاسی است. یکی از مهمترین متون متداول تألیف شده در قرن هفتم هجری توسط عالمی زیدی به نام ابوالفضل بن شهردویر (دیبر) بن یوسف بن ابی الحسن گیلانی، اثری تفسیری مشهور به تفسیر کتاب الله است. نوشتار حاضر ضمن بررسی درباره فرد اخیر و دیگر وابستگان خاندان او، به شناسایی نسخه های مختلف تفسیر اخیر که عموماً به عنوان قرآن یا تفسیر کشف در فهرس معرفی شده، می پردازد.

بصری

مرحوم آقابزرگ طهرانی در بحث بلند خود از آثار تفسیری در کتاب *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، از اثری به نام تفسیر ابی الفضل الدیلمی نام برده و در اشاره به نام کامل نویسنده، وی را ابوالفضل بن شهردویر بن بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن بن ابی القاسم دیلمی گیلانی مرقانی (مرکالی) معرفی کرده است. اطلاعات آقابزرگ در معرفی بیشتر تفسیر اخیر بر اساس دو

منبع بوده است؛ نخست کتاب **مطلع البدور** احمد بن صالح بن ابی الرجال یمنی (متوفی ۱۰۹۲) که در ذیل حرف فاء کتاب اخیر از ابوالفضل گیلانی نام برده و دیگری نسخه‌هایی از تفسیر اوست. در ابتدا آقابزرگ گزیده‌ای از مطالب ابن ابی الرجال را نقل کرده است. مطالب ابن ابی الرجال به نقل از مطالبی بوده که عالمی گیلانی به نام یوسف الحاجی الدیلمی ذکر کرده که ظاهراً باید اثری در معرفی عالمان زیدی طبرستان و دیلمان بوده باشد. بر طبق نوشته یوسف حاجی، ابوالفضل اثری در تفسیر قرآن، و کتابی کلامی به نام **دلائل التوحید** داشته است. حاجی همچنین اشاره کرده که پدر ابوالفضل، شهردویر، نیز از عالمان زیدی بوده و کتابی به نام **لوايح الاختيار في بحث النور والروح و عذاب القبر** داشته است. جد ابوالفضل، یعنی بهاء الدین یوسف مرقانی مدفون در گیل نیز اثری تفسیری داشته که آقابزرگ مدخلی نیز به وی بر اساس همین گفته اختصاص داده و در ذیل عنوان تفسیر المرقانی از آن سخن گفته است. درباره زمان زندگی بهاء الدین یوسف، آقابزرگ نوشته که برخی از مشایخ بهاء الدین در ۷۲۷ درگذشته‌اند و بر همین اساس زمان زندگی ابوالفضل را اواخر قرن هشتم هجری معرفی کرده و از معاصر بودن وی با علامه حلی (متوفی ۷۲۶) سخن گفته است. از آنجایی که مطالب بیشتری در کتاب **مطلع البدور** نیامده، توضیحات آقابزرگ درباره هویت ابوالفضل بن شهردویر و جدش بهاء الدین یوسف بن ابی المحسن دیلمی به دلیل در دسترس نبودن منابع بیشتری که اطلاعات دیگری درباره افراد اخیر در برداشته باشند، به همین مطالب محدود است. پس از این مطالبی که آقابزرگ درباره شرح حال افراد اخیر یافته، توضیحات تکمیلی بر اساس نسخه‌ای از تفسیر ابوالفضل دیلمی که آقابزرگ آن را اثری در دو مجلد ذکر کرده، آورده و نوشته است:

«... و تفسیره کبیر فی مجلدین ضخمین علی کیفیت خاصه. وهی أنه یکتب مقداراً من آی القرآن الشریف فی وسط الصفحة، ثم یکتب التفسیر علی نحو التعلیق علی ألفاظ الآیات فی حواشیها؛ ولم یبین محل التعلیق بما هو المتعارف من کتابه علامه علی التعلیق و مثلها علی الموضع المعلق علیه، بل یعینه بایصال خط طویل أو قصر بین أول التعلیق و الموضع المعلق علیه من الآیه الشریفه...».

پس از این مطالب، درباره کاتب نسخه و زمان کتابت هر یک از دو مجلد چنین نوشته‌اند:

«... و المجلدان کلاهما بخط واحد کتبهما محمد بن حامد اللنگرودی لنفسه فی مدة



مدیده لأنه فرغ من أولها في ذي الحجة ٨٧١ ومن ثانيهما في ٩ شوال ٨٧٦ ثم باع النسخة بعد سنين طويلة فكتب بخطه أيضاً على ظهر المجلد الأول أنه اشترى المجلدين جناب سيادت مآب، فضائل وكمالات شعار، سيد ناصر كيا بن سيد رضی كيا التيمجانی في ٨٩٢ بشهادة شرف الموالى والفضلاء مولانا حسين ابن فقيه على حامد و فقيه حسن كماجال و مولانا أحمد المقرى، و فقيه محمد بن فقيه على حامد و ظاهر هذه الالقب أن المشتري والكاتب والشهود كلهم علماء فضلاء في عصرهم لم نعلم من آثارهم الا ما دلنا عليه تلك النسخة الموجودة في النجف الأشرف النفيسة القديمة من بقايا مكتبة السيد العلامة العاملى مؤلف مفتاح الكرامة...»^١

درباره اینکه اثر اخیر چه عنوانی داشته و نویسنده خود بر آن چه نامی نهاده، آقابزرگ

نوشته است:

«.. ولم یسم هذا التفسیر باسم وانما كتب المؤلف في آخره أنه تفسیر كتاب الله المتضمن لحقائقه ودقایقه تولى جمعه الفقير المحتاج الى رحمة مولاه أبو الفضل بن شهر دوير بن يوسف...»

آخرین مطالبی که آقابزرگ در اشاره به تفسیر اخیر آورده، توضیحاتی درباره برخی مطالب

مندرج در تفسیر است و به نحوی بسیار گذرا است:

«.. وقد صرح في تفسیر آية انما وليكم الله بثبوت الولاية الالهية لخصوص مؤتى الزكاة في الركوع، وروى حديث تفسیر الصادقین بعلى عليه السلام و شيعته، و حكم بايمان أیطالب وأنه مات عليه السلام بدلالة أشعاره و كلامه في مقاماته، و يكثرفيه الرواية عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام و كثيراً ما يوصف على بن أیطالب بأمر المؤمنین عليه السلام و في أول سورة مريم صرح بأن حديث «نحن معاشر الانبياء لا نورث» افتراء لاغتصاب فدك و أن المراد من «يرثنى و يرث من آل يعقوب» ارث المال لا ارث العلم و ذكر اخراج عايشة قيص رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و نعله عند كلامها على عثمان و عدم تعرض أحد لها و

١. بنگرید به: آقابزرگ الطهرانی، الذریعة الى تصانیف الشيعة (بیروت: دار الاضواء، ١٤٠٣/١٩٨٣)، ج ٤، ص ٢٥٦-٢٥٨. درباره تفسیر کتاب الله و خاندان نویسنده همچنین بنگرید به: حسن انصاری و زاینه اشمتیکه، «زیدیان ایران در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی: ابوالفضل بن شهر دوير ديلمی گیلانی و تفسیرش بر قرآن»، ترجمه محمد کاظم رحمتی، پیام بهارستان، دوره دوم، سال چهارم، شماره ١٤ (زمستان ١٣٩٠ش)، ص ٦٩٥-٧٠٠.

عدم أخذهما عنها بدعوى أنهما صدقة، ثم أورد خطبة الزهراء عليها السلام واحتجاجها عليهم بعين ما ذكر في احتجاج الطبرسي...».

آقابزرگ اشاره ای بسیار مجمل درباره منابع تفسیر ابوالفضل آورده و نوشته است:

«.. ویکثر عن تفسیر الشیخ الطبرسی (المتوفی ۵۴۸) و تفسیر الزمخشری (المتوفی ۵۳۸) و تفسیر الإمام الناصر للحق و عن غریب القرآن و درة الغواص للحریری (المتوفی ۵۱۶) و عن كشف المشكلات و غیر ذلك»^۱.

از تفسیر ابوالفضل بن شهردویر که آقابزرگ سخن گفته، نسخه هایی دیگری نیز موجود است و بر اساس برخی نسخه های که در اختیارم هست، می توانی مطالب بیشتری درباره آن بیان کرد. تفسیر اخیر همانگونه که آقابزرگ نیز اشاره کرده در دو مجلد است؛ جلد اول از آغاز قرآن تا پایان سوره کهف و جلد دوم از آغاز سوره مریم تا آخر قرآن را دربردارد. شیوه کتابت آن نیز ویژگی های خاص دارد. در وسط صفحه، آیات قرآن به خطی درشت کتابت شده و در حواشی بالا، وسط و پایین آن مطالبی تفسیری آمده است. از منابع مهم تفسیری که نویسنده تفسیر به کرات از آن نقل کرده تفسیر کشاف زمخشری است. ظاهراً تفسیر مجمع البیان که آقابزرگ به عنوان منبع دیگر نویسنده معرفی کرده و در متن تفسیر با عنوان ابوعلی آمده، ابوعلی جبائی باشد (مثلاً بنگرید به: ج ۱، برگ ۳۴). در اطراف هر برگ، مطالب و تعلیقاتی که عموماً با خطی به محلی در نسخه متصل شده، آمده است که مطالب اخیر نشان دهنده درسی بودن تفسیر اخیر است و تعلیقات مذکور در حقیقت مطالب بیان شده در هنگام تدریس تفسیر است. شکل نگارش خاص تفسیر اخیر یعنی نگارش قرآن در وسط صفحه که تقریباً بخش اعظمی از هر صفحه را به خود اختصاص داده، باعث شده تا برخی از نسخه های موجود تفسیر اخیر توسط فهرست نگاران به عنوان قرآن معرفی شود؛ همچنین کثرت مطالب نقل شده از کشاف که می توان تفسیر اخیر را گزیده ای زیدی از آن دانست، دیگر خصیلت تفسیر کتاب الله است که باعث شده تا برخی نسخه های آن به عنوان تحریری البته تا حدی

۱. آقابزرگ (همان، ج ۴، ص ۲۶۱) در ذیل سخن از تفسیر الأطروش، به نقل قولهایی که از تفسیر ناصر در تفسیر ابوالفضل بن شهردویر آمده اشاره کرده است. آقابزرگ (همان، ج ۴، ص ۳۱۴) در ذیل عنوان تفسیر المرقانی بسیار کوتاه مؤلف را یوسف بن (ابی) الحسن بن ابی القاسم الدیلمی المرقانی المدفون بگیل معرفی کرده و او را جد ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف که در ذیل تفسیر ابی الفضل از او سخن گفته، یاد کرده است.

متفاوت از تفسیر کشف معرفی شود. با این توضیحات به سراغ نسخه‌های شناخته شده از تفسیر ابوالفضل بن شهردویر می‌رویم. پیش از آن باید اشاره کنم که متن تفسیر کتاب الله به صورت عکسی بر اساس نسخه‌هایی موجود از آن در کتابخانه مجلس با مقدمه دوست گرامی آقای سید محمد عمادی حائری (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش) منتشر شده است.

نسخه‌های شناخته شده از تفسیر کتاب الله

سوی دوره کاملی که آقابزرگ در نجف دیده و اکنون از محل دقیق آنها اطلاعی در دست نیست، از تفسیر کتاب الله نسخه‌های زیر شناخته شده است:

۱- نسخه شماره ۴۰۲۸ کتابخانه مجلس که مشتمل بر جلد دوم کتاب است (یعنی از سوره مریم آغاز شده و از انتها اندکی افتادگی دارد و با تفسیر آیه نخست سوره فلق پایان یافته است).^۱

۲- نسخه شماره ۱۲۲۷۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مشتمل بر جلد اول تفسیر است و از انتهای آن (تفسیر سوره کهف) افتادگی دارد و اساس چاپ عکسی که کتابخانه مجلس منتشر کرده، بوده است.

۳- نسخه ۱۷۹۸۲ کتابخانه مجلس که مشتمل بر جلد دوم تفسیر کتاب الله است (یعنی از سوره مریم تا آخر قرآن). در دو برگ اول نسخه، اطلاعات و یادداشت‌های مختلف آمده که بسیار با اهمیت است؛ از جمله در برگ ۱ب در انتهای سمت چپ صفحه، دو یادداشتی آمده که کاتب آن محمد صالح غروی است و مطلبی درباره دو ناصر مشهور در سنت زیدیه است که اولی آنها درباره ناصر اطروش (متوفی ۳۰۴) و دیگری درباره حسن بن زید که از تاریخ‌گزیده و ظاهراً منبعی دیگر است. مطلب مربوط به ناصر اطروش احتمالاً از اثری زیدی مانند **الافاده** ابوطالب هارونی اخذ شده است. نام محمد صالح غروی انسان را به یاد محمد بن صالح غروی عالم نامور

۱. برای معرفی نسخه بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۴۵ش)، ج ۱۱، ص ۳۲-۳۳. در معرفی نسخه گفته شده: تفسیر قرآن؛ در متن و میان صفحه قرآن است، از سوره مریم تا پایان قرآن، و در هامش تفسیر آیات بعربی، و ترجمه برخی از واژه‌ها بفارسی طبرستانی است. تصویری از برگ ۲۷۷ نسخه نیز در بخش تصاویر، صفحه ۴۱۵ آمده است.



امامی و شاگردان نامور ابن ابی الجمهور احسائی، می اندازد که برخی از آثار ابن ابی جمهور به خط وی موجود است از جمله نسخه ای از کتاب *کاشفة الحال* موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ با این حال مقایسه دو دست خط نشان از تفاوت جدی میان آنها دارد و محمد بن صالح غروی که نامش در برگ ۱ ب تفسیر کتاب الله آمده، نمی تواند محمد بن صالح غروی شاگرد ابن ابی جمهور باشد. در برگ ۲ ب نیز یادداشت دیگری آمده که نشان می دهد نسخه تا قرن یازدهم در ایران بوده است. یادداشت اخیر چنین است:

« در تاریخ ثمان و ستین و تسعمائة در ماه ربیع الاول، سید السادات معدن الجود و الکرامات سید هادی کیا میاندهی وفات کرد. و اندی اوراق و اجزاء گذاشته؛ بدین موجب یکی جلد تفسیر ابوالفضل و یکی جلد ابانه مشبع (؟) و بعضی تفسیر اجزاء، وصیة ابن مسعود و اجزاء دیگر و رساله الشریفة عضدیة و اجزاء دیگر و و دیگر چند اجزاء کنز اللغات و یکی جلد کتاب زادة المریدین (سیاسة المریدین؟) و کتاب دیگر بیکجا مجلد و شرح ملا.. و کلام منهاج بیکجا مجلد و یکی جلد متوسط»^۱.

عبارت تملکی در سمت راست برگ ۲ ب آمده که نام فرد پاک شده است. مجلد اخیر کامل است و انجامة نسخه نیز نقل شده که چنین است:

«صادف الفراغ من اتمام اتساخت المجلدة الاخری من تفسیر کلام رب الآخرة والاولی من یوم الخمس قبل الزوال الوقت منتصف شهر المبارک رمضان ختم بالیمن والبرکة و الاحسان الواقع فی سنة تاریخها تسعین و ثمانائة من هجرة المصطفی خیر البریة لاجل المولی الموالی مولانا حاجی بن فقیه محمد (بن نمازی) میاندهی - اطال ایده تعالی عمرهما و زاد الله تعالی توفیقهما و نال الله تعالی مرادهما و شرف الله تعالی عزهما آمین و یارب العالمین - تحت انامل العبد الفقیر الحقیر الضعیف النحیف (دراصل: النهیف؟) المحتاج الی رحمة الله تعالی الغنی احمد بن نائب سلار بن محمد کینارودی

۱. برای تصاویر برگ اول و آخر کتاب *کاشفة الحال* ابن ابی جمهور که محمد بن صالح غروی کتابت کرده و ابن ابی الجمهور اجازه روایت آن را به وی داده است به بنگرید به: محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور احسائی، *کاشفة الحال عن احوال الاستدال*، تحقیق احمد کنانی (قم: مؤسسه ام القری، ۱۴۱۶)، بخش تصاویر اساس تصحیح.

غفر الله ذنوبهم و ستر عيوبهم بحق من لا نبى بعده و انا احمد الله على جسيم نعمائه و وسيم الآيه من توفيقى فى اختتامه و عونى وله الحمد السرمد و المدح لنبیه محمد صلى الله عليه و على آله و سلم انه خير موفق و معين بحق الحق اله العالمين». (برگ ۳۸۸ الف).

در چند برگ بعدی نیز مطالب پراکنده ای آمده و گاه منبع آن نیز معرفی شده مثل برگ ۳۸۹ ب که بندی بلند از کتاب **المقتع** ابوعمردانی آمده و در زیر آن دو عبارت یکی از احمد بن ابی الحواری که ظاهراً از **رسالة قشیریه** باشد و پس از آن نیز عبارتی از **عیون المعارف** آمده که در آن گفته شده باری تعالی هر روز هنگام غروب خورشید به فارسی دری می گوید: «چه کنم من این ستم کاران را جز آنک بیامزم جز آنک بیامزم». مطالب آمده در اوراق آخر از برگ ۳۸۸ ب تا ۳۸۹ ب به قلم کاتب نسخه یعنی احمد بن نائب (تائب) سلار بن محمد کینارودی است. در برگ ۳۸۹ ب و ۳۹۰ مطلبی از کمال الدین به دست خطی متفاوت آمده است.

۱- نسخه شماره ۲۷۷ کتابخانه ملک که متشکل بر جلد اول تفسیر است و از آغاز و انجام افتادگی دارد.^۱

۲- نسخه موجود در کتابخانه مغنيسا گنل که جلد دوم تفسیر است. نسخه اخیر در حواشی مختلف تاریخی درباره مالکان نسخه و برخی حوادث تاریخی است که بسیار با اهمیت است. نسخه بعدها در تملک محمد مکی بن محمد شمس الدین من سلالة الشریف ابو عبد الله الشهید محمد بن مکی المطلبی الحارثی الهمدانی الخزرجی العاملی سنة ۱۱۶۹ بوده که تملک او بر نسخه های خطی دیگری هم در دست است. مطالب تاریخی که در این نسخه آمده را دانش پژوه به طور کامل نقل کرده است. در انجامه نسخه، کاتب چنین نوشته است:

«وارتفع عن الكاتب العقاب بعد التعب و الملل ماساة الكد و الكلال و الحمد لله المهيم المتعال بلغنى لخير الاعمال و انالنى بجميع الآمال على يدى العبد الضعيف المحتاج الى رحمة ربه اللطيف پيله فقيه بن محمد كنجه كلائى - غفر الله لهما و ستر



۱. ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک (تهران، ۱۳۵۲ ش)، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۵. درباره هویت نویسنده تفسیر مطلبی ذکر نشده و عنوان اثر التفسیر ذکر شده و گفته شده که بروش دانشمندان زیدی با ترجمه بزبان طبری.

عیوبهما و اسکنهما بمجوحظ [مجبوحه] الجنان و رزقهما الجنة و الحور و النعمان (شاید الغلمان) بحق محمد المبعوث الی الانس و الجان یوم الاثنين بعد العصر السابع عشر من شهر القديم نوروز ماه (القديم) تاریخها تسع و تسعون و ثمانیة من هجرة مقصود ایجاد البرية.

اللهم وفقنی و بلغنی مدارسته و مذاكرته و مطالعته و تکراره مع الطلاب بحق محمد و الآل و لمن قراه و عمن قال آمین یا رب العالمین و السلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین فی مدرسة زین العلماء و زبدة الصلحاء و تاج الادباء و ملجأ الغرباء محمد بن نایب ملک تلجانی - سلمه الله تعالی مع اولاده فی الدارین بحق محمد و حسنین - و قرأت هذه الكتاب من سورة المدثر الی آخره عند العالم النحریر الفقیه الفاضل الفقیه یوسف کشکاجانی - طول عمره - فی مقام الموسوم به دا و الباقي مع المجلدة الاولى عند الكامل المحقق و الکاشف المدقق افضل العلماء الکاملین الفقیه محمد تلجانی - مد الله ظله فی الدارین بحق محمد و علی و الحسنین - وقع الاختتام فی سنة تاریخها اربع و تسعمائة فی ماه القديم سیاماه فی یوم الجمعة قد مضی فیہ اثنا عشر یوما و السلام علی من التبع الهدی»^۱.

همان گونه که اشاره کردم، شکل خاص کتابت تفسیر کتاب الله بسیار به کتابت نسخه ای از قرآن است که حواشی در اطراف دارد یا به علت کثرت نقل قولها از تفسیر کشف احتمال دارد که فهرست نگاران، نسخه هایی از آن را به عنوان کشف معرفی کرده باشند. با توجه به این دو مطلب به سراغ نسخه های دیگر شناسایی شده تفسیر کتاب الله می رویم.

نسخه های خطی کتابت شده در سنت زیدیان ایران

خصلت خاصی که در کتابت نسخه خطی تفسیر کتاب الله دیده می شود، در حقیقت خصلتی خاص در کتابت میان زیدیان ایران است که بررسی نسخه های خطی دیگر باقی مانده از جوامع زیدی ایران به وضوح آن را تأیید می کند. اشاره شد که آقا بزرگ خصلت خاص تعلیقه نویسی بر تفسیر ابوالفضل را مورد توجه قرار داده بود و به آن اشاره کرده بود. همین مطلب را با تکیه بر تفسیر کتاب الله توسط مرحوم دانش پژوه در معرفی نسخه مغنیسا و

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش)، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶.

دیگر نسخه های از تفسیر کتاب الله، مورد اشاره قرار گرفته و نوشته است:

«نسخه ها هر صفحه در سه یا چهار ستون است؛ یک ستون آیات است با ترجمه طبری کلمات یا عبارات زیر سطور؛ یک ستون تفسیر است و هر بندی با خطی به بکلمه مربوط بان از قرآن می پیوندد؛ ستون سوم و چهارم حواشی توضیحی این تفسیر است و آنها با خط مربوط می شود...»^۱

در حالی که مسلم است عالمان زیدی ایرانی در فاصله قرون هفتم تا دهم هجری در نواحی شمالی ایران فعالیت داشته اند و اکنون به فضل رساله ای به عنوان «رسالة فی علماء الزیدیه» که توسط عالمی ناشناس زیدی ایران قرن هشتم تألیف شده، نام برخی از آنها به دست آمده است. توجه به شکل خاص تعلیقه نویسی در میان زیدیان ایران می تواند به عنوان معیاری برای شناسای دیگر نسخه های باقی مانده از زیدیان ایران به کار آید و در این میان می توان با توجه به تداول فراوان نسخه های تفسیر کتاب الله حدس زد که بتوان نسخه های دیگر از آن را شناسایی کرد.^۲

در فهرست نسخه های خطی کتابخانه صدوقی یزدی (یزد-ایران)، نسخه ای به شماره ۹۵ به عنوان قرآن کریم معرفی شده که مشتمل بر سوره فاتحه تا سوره کهف است. البته حجم

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش)، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲. برخی نسخه های خطی زیدی از میراث علویان طبرستان در کتابخانه های ایران موجود است که در سده های اخیر توسط عالمان غیر زیدی کتابت شده و خصوصیت های خاص تعلیقه نویسی در آنها مشاهده نمی شود. از این نسخه ها، می توان به نسخه های از کتاب النبوات / اعجاز نبوة النبی تألیف المؤید بالله احمد بن حسین هارونی (متوفی ۴۱۱) اشاره کرد که دو نسخه از آن (مجلس، رساله اول مجموعه ۴۲۴۷ (برگ های ۱-۱۵۱) کتابت شده در شوال ۹۹۳ و نسخه ۹۲۷ مجموعه مشکات که نسخه دانشگاه تهران کتابتی از روی نسخه مجلس است. درباره نسخه های اخیر بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۴۵ش)، ج ۱۱، ص ۲۶۲-۲۶۳؛ علینقی منزوی، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ش)، ج ۱، ص ۷-۸. در فهرستواره دستنوشته های ایران (دنا) به کوشش مصطفی درایتی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش)، ج ۲، ص ۳۵ دو نسخه اخیر به شماره های ۲۹۸۵۷ و ۲۹۸۶۱ در ذیل عنوان اعجاز القرآن و مجهول المؤلف معرفی شده اند که لازم است در چاپ های بعدی هم عنوان و نام نویسنده اصلاح شود. اواماریا تسایس / لیکا (Zeis/Eva-Maria Lika) تصحیح انتقادی از کتاب النبوات بر اساس نسخه های شناخته شده آن را به عنوان رساله دکتری در دست انجام دارد.



نسخه کمی غیر عادی است، یعنی ۳۵۲ برگ آنهم برای بخش اندکی از قرآن کریم. خوشبختانه تصویری از انجامة نسخه اخیر در فهرست آورده شده (ص ۷۶) که در آن خصلت خاص تعلیقه نویسی زیدیان ایرانی و شکل خاص کتابت نسخه تفسیر کتاب الله به وضوح نمایان است. تفسیر کتاب الله، تحریری زیدی عمدتاً از تفسیر کشاف جار الله زنجشیری (متوفی ۵۳۸) است که تفسیرش شهرت مهمی در روزگار خود داشته و سنت تفسیر نگاری پس از خود را کاملاً متأثر از خود کرده است. ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف بن ابی الحسن دیلمی که بر اساس اطلاعاتی که در خصوص نیای او یوسف بن ابی الحسن دیلمی (متوفی پیش از ۶۱۴) در اختیار داریم از عالمان زیدی نیمه نخست قرن هفتم هجری است، سوای تفسیر کتاب الله، آثار دیگری نیز نگاشته که تا کنون اثری از آنها به دست نیامده است. تفسیر کتاب الله که در دو جلد تنظیم شده است، مشتمل بر تفسیر قرآن کریم از آغاز تا پایان سوره کهف (مجلد اول) و سوره مریم تا آخر قرآن (جلد دوم) است و بر اساس نسخه هایی مختلف شناسایی شده از آن، مهمترین متن تفسیری متداول در میان عالمان زیدی ایرانی در فاصله قرن هفتم تا دهم هجری بوده است.

در انجامة نسخه های تفسیر کتاب الله اطلاعات مهمی در خصوص عالمان زیدی ایرانی می توان یافت. نسخه معرفی شده به عنوان قرآن در کتابخانه صدوقی یزد که مجلد نخست تفسیر کتاب الله ابوالفضل بن شهردویر است که کتابخانه مجلس تصویر نسخه برگردان آن را چندی پیش با مقدمه دوست فاضل آقای سید محمد عمادی حائری منتشر کرده از چند جهت حائز اهمیت است. نخست آنکه مجلد اول نسخه مجلس از انتها اندکی افتادگی دارد و بخشی از تفسیر سوره کهف که بخش پایانی جلد اول است، در آن ناقص است. اهمیت دیگر نسخه اخیر، در انجامة نسخه آن است. ابتدا بهتر است تا متن آن را به طور کامل نقل کنیم:

«الحمد لله الذی انزل علی عبده الكتاب فلم يجعل له عوجاً واعان باتمام تنمیق بعضه عبداً محوجاً / والصلوة علی رسوله الذی // دخل الناس فی دینه افواجاً / وآله الذین كانوا / سماه الهدی نجوماً وفی بحر العلوم // امواجاً العبد الحقیقیر // المحتاج الی رحمة (در اصل رحمت؟) خالق الامم یوسف بن رستم // الموطن ببلاللم لاجل الفقیه العالم العامل // الاجل فقیه سلیمان بن فقیه حسن جما / ستانی اسعده الله تعالی فی الدا / رین وابلغه الامانی بحق // القرآن والسبع المثانی //



والسلام علی من // قراء و عمل به».

در زیر انجام مذکور تاریخ فراغت از استنساخ نسخه نیز چنین ذکر شده است:
«قد وقع الفراغ من کتبه صبیحة یوم الاحد سابعة عشر من شهر الله المبارک صفر فی تاریخ اربع و ثمانین و ثمانائة من هجرة خیر البرية و السلام و به نسعتین».^۱
درباره فقیه احتمالاً زیدی که نامش در اینجا آمده یعنی سلیمان بن حسن جماستانی
اجمالاً مطلبی نیافتیم اما درباره برادر وی یعنی یوسف بن حسن جماستانی نامش در نسخه
۶۶۲۳ دانشگاه تهران آمده است که آن نسخه نیز ارتباطی با تفسیر کتاب الله دارد و توصیف
دقیقی از آن را مرحوم دانش پژوه آورده است.^۲

تفسیر کتاب الله متن بسیار با اهمیت و مهمی بوده و عجیب نیست که با بررسی دقیقتر
فهرست های نسخه های خطی بتوان همچنان نسخه ای تازه از آن یافت. نسخه خطی شماره
۲۱۳۹۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی که نخستین بار توسط آقای براتعلی غلامی مقدم در
مجلد ۲۲ فهرست آن کتابخانه با عنوان تفسیر القرآن الکریم معرفی شده است. خصلت خاص
کتابت نسخه البته مورد توجه ایشان قرار گرفته و در اشاره به آن نوشته اند:

مؤلف شناخته نشد (از مفسران شیعه است). در این نسخه آیه یا آیاتی در جدول
کوچک مربع یا مستطیل نگاشته شده و در جدول بزرگ و خارج آن به توضیح و

۱. برای توصیف نسخه در فهرست مذکور بنگرید به: فهرست نسخه های خطی کتابخانه صدوقی یزدی (یزد-
ایران)، نگارش سید احمد حسینی اشکوری (قم؛ مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳ ش/۱۴۲۵)، ص ۷۵-۷۶.
۲. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران
(تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش)، ج ۱۶، ص ۳۱۴-۳۱۹. درباره نویسنده تفسیر کتاب الله مطالب چندانی
دانسته نیست جز آنکه جد اعلی او یوسف بن ابی الحسن بن ابی القاسم دیلمی به احتمال قوی پیش از ۶۱۴
درگذشته است و آنچه که در کتابهای تراجم نگاری نیز در خصوص او آمده بسیار اندک است. آقا بزرگ طهرانی در
طبقات اعلام الشيعة: الأنوار الساطعة فی المائة السابعة، تحقیق علینقی منزوی (بیروت: دارالکتاب العربی،
۱۹۷۲)، ص ۱۳۱-۱۳۲ به نحو بسیار موجزی در ذیل نام او (ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف بن ابی الحسن
بن ابی القاسم دیلمی مرقانی) نوشته است: «ترجم والده و جدہ فی مطلع البدور فی عداد علماء الزیدية لکن
تفسیر الکبیر لصاحب الترجمة یشهد بأنه إمامی یرفض الخلافة الظاهرية فی کثیر من المواضع و منها فی أول سورة
مریم حيث ذکر أن حدیث «نحن الأنبياء لا نورث»، إقتراء منها لاغتصاب فدک إلى غیر ذلک و یکثرفیه النقل
عن الزحشری (م ۵۳۸) و عن الطبرسی (م ۵۴۸)». مطالب بیشتری که در خصوص او اکنون به دست آمده در
مقاله و در پیوست مورد بحث قرار گرفته است.

تفسیر آیات پرداخته شده و تفسیر آیات توسط پاره خط مشخص گردیده است...»
 در ادامه مطالب مفیدی هم در معرفی نسخه آمده است. کتابت نسخه در روز پنجشنبه هفتم رمضان ۸۸۹ توسط احمد بن سلار کینارودی (نسبت ایشان را فهرست نگار کینا دوزی خوانده اند) (ج ۲۲، ص ۱۶۷-۱۶۸). نسخه به جهت یکی از عالمان زیدی یعنی نورالله بن علی اشکوری کتابت شده است. در هر حال بررسی بیشتر نسخه لازم و ضروری است. در فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) ج ۸، ص ۸۳۷ باز نسخه اخیر معرفی شده و مطالب آمده مشتمل بر نکاتی است که نشان می دهد برای معرفی نسخه به آن مراجعه مجدد شده و گفته شده که نسخه ارتباط بسیاری نزدیکی با کشف زنجشیری دارد به گونه ای که تفسیر حاضر را خلاصه کشف معرفی کرده اند. نسخه منتشر شده عکسی تفسیر کتاب الله مجلس (جلد اول آن) از آخر افتادگی دارد و امتیاز نسخه حاضر آن است که کامل است و دیگر آنکه چند برگ اول نسخه مجلس به سختی قابل خواندن است و ظاهراً نسخه حاضر وضع بهتری داشته باشد.^۱

در فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی - طاب ثراه - در مجلد ۳۱، ص ۶۵۱ نسخه ای از کشف زنجشیری معرفی شده که مشتمل بر تفسیر آیه ۶۲ سوره مبارکه مریم است تا اواخر سوره نصر. توجه من به این نسخه (شماره ۱۲۵۶۶) نخست بر اساس تصویری بوده که از برگگی از نسخه در انتها آمده بود که خصلت کتابت و تعلیقه نویسی نسخه های زیدیان طبرستان را نشان می داد. تذکر فهرست نگار که نسخه حاضر با متن چاپ

۱. در خصوص تفسیر کتاب الله آستان قدس رضوی که به تازگی یافته بودم، نکته ای دیگر نیز باید متذکر شوم. از آنجا که فهرستواره نسخه های خطی (دنا) مجلد دوازدهم به نام کاتبان اختصاص دارد، کنجکاوانه به آن مجلد رجوع کردم و در ذیل نام احمد بن سلار کینارودی یا احمد بن تائب سلار کینارودی نگاهی انداختم. یک مورد جالب آن بود که در نگارش دنا برای معرفی نسخه های تفسیر کتاب الله به مجلد بیست و دوم آن مراجعه شده بود. همچنین به فهرست هزار و پانصد نسخه ای که توسط رهبری از وراث مرحوم آیت الله سید احمد صفائی خریداری شده بوده و توسط ایشان به کتابخانه آستان قدس رضوی اهداء شده بود، نیز مراجعه شده است. تفاوت دو متن این است که در فهرست بیست و دوم نسخه های خطی آستان قدس، نسخه تفسیر کتاب الله با شماره مسلسل ثبت کتابخانه آستان قدس معرفی شده اما در فهرست هزار و پانصد نسخه آقای استادی شماره هایی دیگر را ذکر کرده و در معرفی تفسیر کتاب الله آن را نسخه ای از قرآن کریم معرفی کرده اند و توضیحاتی در خصوص نسخه ارائه کرده اند. در دنا و در جلد ۸، ص ۷۰، شماره ۲۱۱۵۹۹ نیز در ذیل معرفی قرآنها بار دیگر جلد اول تفسیر کتاب الله به عنوان قرآن معرفی شده است.

شده کشف تفاوت دارد باعث شد تا کمی بیشتر در نسخه توجه کنم. ذهنم به سرعت به سراغ تفسیر کتاب الله رفت و با مقایسه نسخه حاضر با جلد دوم تفسیر کتاب الله متوجه شدم که نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۲۵۶۶ در حقیقت مجلد دوم تفسیر دو جلدی کتاب الله است که از آغاز و انجام افتادگی دارد. آغاز نسخه مرعشی برابر با برگ ۱۱ متن عکسی منتشر شده از تفسیر کتاب الله توسط کتابخانه مجلس است. اهمیت نسخه اخیر که به عنوان کشف معرفی شده، نشانگر لزوم بررسی نسخه های معرفی شده از کشف است که احتمال دارد در میان آنها بتوان مجلد یا مجلداتی از تفسیر کتاب الله را یافت.

کنجکاوی برای یافتن نسخه های دیگر از تفسیر کتاب الله باعث شد تا به *دنا و فنخا* مراجعه کنم، دنا به دلیل کامل بودن و داشتن نمایه ای از نام کاتبان نسخه می تواند بر اساس دانستن نام کاتبان نسخه های شناخته شده تفسیر کتاب الله به یافتن مجلدات دیگر آن کمک کند. با مراجعه به دو اثر یاد شده، امکان شناسایی مجلداتی دیگر از تفسیر کتاب الله فراهم شد. در جلد ۸ فنخا، ص ۵۴۲ نسخه ای معرفی شده که در کتابخانه عبدالوهاب فرید تنکابنی بوده است ولی نسخه از آغاز و انجام افتادگی دارد و متأسفانه حتی آغاز و انجام افتاده آن نیز ذکر نشده است. آقای سمایی حائری در معرفی تفسیر اخیر نوشته اند:

«تفسیر قرآن کریم، این تفسیر به طرز بسیار جالبی تألیف گشته گویا به خط مؤلف است زیرا اولاً عدد سطور کتابت مختلف است، در بعضی صفحات ۱۱ سطر و برخی تا پنج سطر است. دیگر آنکه در بعضی از تفاسیر قلم زدگی و تجدید نظر شده است. دوم تفسیر بطور جالب است زیرا خط بسیار نازکی از کلمه بحاشیه کشیده شده است و آنرا تفسیر نموده است در هیچ یک از تفاسیر چنین دیده نشده است. سوم در بعضی از جاها دیده شده است که معنی بعضی از کلمات بفارسی هم نوشته است و از تفاسیر دیگر نقل می کند و بسیاری از روایات او از کتب اصلی تسنی است. از کتابت ششم و هفتم است، آغاز و انجام افتاده»^۱.

با توصیف ارائه شده می توان تا حدی اطمینان یافت که ما با نسخه ای دیگر از تفسیر کتاب الله روبرو هستیم در دنا (ج ۳، ص ۸۳) شماره ۶۳۰۱۹ نسخه حاضر معرفی شده و گفته شده که تفسیری سنی است. نسخه ۱۷۹۸۲ تفسیر کتاب الله نیز در دنا (ج ۳، ص ۹۱۹ شماره

۱. بنگرید به: محمد سمایی حائری، «فهرست کتابهای خطی عبدالوهاب فرید تنکابنی در امسر»، نشریه نسخه های خطی، ج ۷، ص ۷۹۱.

۶۳۱۹۰ با عنوان التفسیر / عربی - فارسی معرفی شده و نام نویسنده نیز مجد الدین مازندرانی از علمای زیدیه متوفی حدود ۷۰۰ ذکر شده است که نادرست است. در حقیقت تاریخ ۷۰۰ زمانی بوده که گمان می شده محمد بن صالح بن یحیی گیلانی، عالم زیدی است که تاریخ درگذشت او نیز ۶۷۵ است. در هر حال باید عنوان جدیدی برای تفسیر کتاب الله ایجاد شود و نویسنده آن هم درست معرفی شود و نسخه ها نیز ذیل آن فهرست شود. مثلاً شماره ۶۳۰۴۸، ۶۳۰۵۰، ۶۳۰۴۹ و ۶۳۰۵۱ در دنیا (ج ۳، ص ۸۴-۸۵) هم نسخه های تفسیر کتاب الله است. بر این اساس نسخه هایی یافته شده از تفسیر کتاب الله فهرست وار چنین است:

۱- رامسر، کتابخانه فرید بن عبدالوهاب تنکابنی، شماره ۶۲ (فنا، ج ۸، ص ۵۴۲).
به دلیل آغاز و انجام افتاده و عدم امکان رویت نسخه نمی توان گفت که نسخه اخیر جلد اول یا دوم تفسیر است.

۲- رامسر، کتابخانه فرید بن عبدالوهاب تنکابنی، شماره ۶۳ (فنا، ج ۸، ص ۵۵۱) که جلد دوم تفسیر است.

۳- کتابخانه آیت الله مرعشی ۱۲۵۶۶ که جلد دوم تفسیر کتاب الله است (فهرست، ج ۳۱، ص ۶۵۱).

۴- آستان قدس رضوی شماره ۲۱۳۹۳ که جلد اول تفسیر است.^۱ کاتب نسخه اخیر همان کاتب جلد دوم موجود در مجلس به شماره ۱۷۹۸۲ است که نسخه خود را در ۸۹۰ کتابت کرده است. با توجه به اینکه نسخه اخیر در ۸۹۹ کتابت شده، می توان دریافت که احمد بن نایب سلار پیش از یک دوره از تفسیر کتاب الله کتابت کرده است.^۲

۱. این نسخه را آیت الله رضا استادی در کتاب فهرست هزار و پانصد نسخه خطی اهدائی رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای به کتابخانه آستان قدس رضوی (قم: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش)، ص ۳۹-۴۰ نیز با عنوان قرآن معرفی کرده و اشاره نموده اند که در حاشیه تفسیر آیات قرآن به عربی نوشته و اشاره نموده اند که این تفسیر انتخابی است از تفاسیر دیگر مانند کشاف زمخشری. کاتب نسخه را احمد بن سلار کینارودی (کینادوزی) برای زبده الزاهدین الفقیه العفیف مولانا نور الله بن علی اشکوری در سال ۸۸۹ ذکر کرده اند.

۲. در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۲۹۷ نسخه های از تفسیر قرآن موجود است که گفته شده تفسیری زیدی است گمان من نسخه باید تهذیب حاکم جشمی (متوفی ۴۹۴) باشد که در ایران از قضا نسخه های کهن خوبی دارد و

۵- کتابخانه صدوقی یزد، شماره ۹۵ مشتمل بر جلد اول تفسیر است.^۱
۶- کتابخانه مرحوم آیت الله نجومی کرمانشاهی که مشتمل بر جلد اول تفسیر است و کاتب آن برهان بن حسین بن حسن ذکر شده و تاریخ فراغت از کتابت چهارشنبه ۱۰ محرم ۸۹۶ ذکر شده است. نسخه اخیر دارای تملکات مختلفی است و لازم است تا اطلاعات مذکور از آن استخراج شود که تاکنون دسترسی به نسخه برای بنده میسر نشده است.^۲

تکمله:

همانگونه که گفته شد سنت تعلیقه نویسی در میان زیدیان طبرستانی ایرانی شکل و شمایل خاصی داشته و به کمک آن می توانیم برخی نسخه های خطی دیگر کتابت شده در میان زیدیان ایران را شناسایی کنیم. به عنوان مثال نسخه ای از **نهج البلاغه** در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۲۴۵۲ که در قرن ششم کتابت شده موجود است که از چند جنبه اهمیت دارد. نسخه از حیث تعلق به سنت نسخه های **نهج البلاغه**، از جمله نسخه های نیشابوری **نهج البلاغه** است که در قرن ششم میان عالمان زیدی ین به ین عالمانی زیدی ینی که به خراسان سفر کرده اند و مرتضی بن سراهنگ مرعشی، عالم زیدی مهاجر به ین پس از ۶۱۴ روایت آن در میان زیدیان ینی تداول یافت و بر اساس برخی خصلت ها در میان نسخه های مختلف **نهج البلاغه** که توسط شاگردان سید رضی روایت شده، ویژگی های خاصی دارند که می توان آنها را نسخه های نیشابوری **نهج البلاغه** دانست.^۳ اما نکته دیگر جالب در

ستاد عزیزوارجمند آقای صداری خوبی معرفی خوبی از نسخه مجلس در فهرست نسخه های مجلس، ج ۳۸، ص ۴۲۳-۴۲۴ ارائه کرده اند اما هویت مؤلف احتمالی آن را نشناخته اند. در دنیا ج ۳، ص ۸۴، شماره ۶۳۰۳۷ نیز معرفی شده است.

۱. بنگرید به: سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه صدوقی یزد (قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳ش/۱۴۲۵)، ص ۷۵-۷۷.

۲. نخستین گزارش از نسخه را استاد گرامی آقای سید احمد اشکوری در معرفی نسخه های کتابخانه مرحوم آیت الله نجومی و در کتاب **دلیل المخطوطات**، ج ۱، ص ۲۲۲ آورده اند. در نسخه اخیر نام نویسنده تفسیر ابوالفضل بن شهردویر دیلمی ذکر شده است. بنگرید به: مصطفی درایتی، **فهرستواره دستنوشته های ایران** (دنا)، ج ۳، ص ۱۷۹؛ همو، **فهرستگان نسخه های خطی ایران** (فنخا)، ج ۸، ص ۸۲۴.

۳. ابوطالب مرتضی بن سراهنگ بن محمد بن یحیی بن علی بن سراهنگ بن حمزه بن حسن بن علی مرعشی

این نسخه دست کم در تصویری که از آن در اختیارم هست، شباهت تعلیقه نویسی آن با سنت تعلیقه نویسی زیدیان ایرانی است. در فهرست کتابخانه (ج ۳۱، ص ۴۴۹-۴۵۱) توصیفی از نسخه آمده و به برخی جنبه های با اهمیت نسخه اخیر اشاره شده است. در صورتی که در برگ های دیگر نسخه همین خصلت تعلیقه نویسی زیدیان طبرستانی وجود داشته باشد، نسخه اخیر شاهی جالب توجه از تداول نسخه نهج البلاغه در میان زیدیان قرن ششم به بعد است که لازم است تا از این جنبه بررسی دقیقتری در خصوص آن انجام شود. ویژگی خاص تعلیقه نویسی در نسخه خطی شماره ۱۵۴ از نهج البلاغه در همان کتابخانه نیز دیده می شود.^۱

بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین الاصغر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی بن ابی طالب الحسینی العلوی المرعشی است که مطلب چندانی در خصوص او دانسته نیست. وی در نیشابور سکونت داشته و در آنجا نهج البلاغه را از معین الدین احمد بن زید حاجی به روایت از عالم نامور زیدی نیشابوری بن اسماعیل حسینی به طریق او از عمویش حسن بن علی بن احمد جوینی (درباره او بنگرید به: شهراری، طبقات الزیدیه الكبرى، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰) و دیگران سماع کرده است (درباره یحیی بن اسماعیل حسینی بنگرید به: شهراری، طبقات الزیدیه الكبرى، ج ۳، ص ۱۲۰۹-۱۲۱۰). همچنین او کتاب *اعلام الروایة علی نهج البلاغه* تألیف علی بن ناصر حسینی سرخسی را به روایت رکن الدین فیروز شاه جیلی و حسن بن مهدی بیهقی و احمد بن زید حاجی که جملگی کتاب را به سماع از سرخسی در روایت خود داشته اند، سماع و بعدها درین روایت کرده است. درین حمید بن احمد محلی در کحلان تاج الدین (ذی القعدة ۶۱۸) کتاب اعلام الروایة را نزد او خوانده است. وی درین بایکی از دختران عبدالله بن حمزه ازدواج کرده و پس از مرگ در جامع مقدس حسن ظفار به خاک سپرده شده است. بنگرید به: ابراهیم بن قاسم الشهاری، طبقات الزیدیه الكبرى: القسم الثالث ویسمی بلوغ المراد الی معرفة الاسناد، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (صنعاء: مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، ۲۰۰۱/۱۴۲۱)، ج ۲، ص ۱۱۱۶-۱۱۱۷. برای نسخه های نیشابوری نهج البلاغه همچنین بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «نسخه های نیشابوری نهج البلاغه»، *متون و پژوهش های تاریخی* (مقالاتی درباره تاریخ اسلام و تشیع) (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس، ۱۳۹۰ ش)، ص ۳۰۱-۳۰۷.

۱. برای تصاویری از نسخه اخیر بنگرید به: سید محمود مرعشی نجفی، نسخه های خطی کهن و نفیس نهج البلاغه و شروح، گزیده ها و ترجمه های آن در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قم، ۱۳۸۱ ش)، ص ۱۳۱-۱۳۲. نسخه ۱۵۴ نهج البلاغه در مجلد اول فهرست کتابخانه مرعشی معرفی شده و در بخش تصاویر نیز چند برگ از آن آمده است جز آنکه تصویر چندان واضح نیست و خطوطی که عبارت هایی نوشته شده در حاشیه را به کلماتی در نسخه متصل کرده، در تصویر مشخص نیست. بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (قم: ۱۳۹۵/۱۳۵۴ ش)، ج ۱، ص ۱۷۴. برگ آخر نسخه نونویس است و خصلت مذکور در آن دیده نمی شود. نسخه زمانی در تملک سید حسین

بندی‌هایی از کتاب بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن گیلانی

همانگونه که در متن مقاله اشاره شد، برخی از آثار یا شاید مکاتبات یوسف بن ابی الحسن گیلانی در اختیار عالمان زیدی بوده و از آن مطالبی نقل کرده اند، از جمله المنصور بالله عبدالله بن حمزه (متوفی ۶۱۴) که در یکی از رساله های خود در نقد مطرفیه، بندهایی از اثری تألیف یوسف بن ابی الحسن مطالبی نقل کرده است. از آثار مختلفی که یوسف بن ابی الحسن گیلانی تألیف کرده، نام برخی در منابع تراجم نگاری زیدیه ذکر شده، اما از خود تألیفات او ظاهراً تنها کتاب *سیر الائمة* که همان نامه مفصل او در پاسخ به عمران بن حسن شتوی است، در دست است و منتشر نیز شده است (بنگرید به: یوسف بن ابی الحسن الجیلانی، «نسخة کتاب وصل إلى الفقيه العلامة عمران بن الحسن بن ناصر بن يعقوب العذري الهمداني، (ص ۱۶۱-۱۳۷).

عبدالله بن حمزه (متوفی ۶۱۴) در آثار مختلف خود به توجیه رفتار تند خویش با مطرفیه و اباحه خون آنها پرداخته و البته نظر او با مخالفت و انتقاد جدی عالمان زیدی مواجهه بوده و وی همواره در آثار متعددی سعی کرده با استناد به سیره ائمه پیشین در برخورد با مخالفان اعتقادی، رفتار خود را توجیه کند. او در *رسالة العالمة بالأدلة الحاکمة* که آخرین اثر اوست، چند بند از اثری را نقل کرده که تألیف یوسف بن ابی الحسن است و تاکنون در جایی دیگر به آن برخورد نکرده ام. مادلونگ نخستین محقق بود که متن مذکور را در ضمن کتاب *اخبار ائمة الزیدية* (ص ۱۶۵-۱۷۰) به چاپ رسانده و متن کامل *الرسالة العالمة* نیز در مجلد دوم مجموع رسائل الإمام المنصور بالله عبدالله بن حمزه، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (صنعاء، مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، ۲۰۰۲/۱۴۲۳)، ص ۵۴۰-۵۰۱ منتشر شده که بندهای اخیر در صفحات ۵۱۶-۵۲۰ آمده است. متن بندهای اخیر چنین است:

بن حیدر حسینی کرکی شاگرد مشهور شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰) بوده است. تصاویری که از نسخه اخیر در کتاب نسخه های خطی کهن و نفیس نهج البلاغه، آمده به وضوح خصلت تعلیق نویسی زیدی را نشان می دهد. تصاویر مذکور در انتهای مقاله حاضر نیز آمده است. برای معرفی نسخه ۱۲۴۵۲ و تصویری از آن بنگرید به: فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) (قم)، ۱۳۸۲/۱۴۲۴، ج ۳۱، ص ۴۴۹-۴۵۱، ۸۷۳-۸۷۴.

«ولما ظهرت مسألة القاضي عماد الدين أبى مضر المؤيدى نفعنا الله بصلاح عمله فى أنه يجوز مهادنة الباطنية ولقاهم صلحاً والسكون معهم بحيث لهم أمر نافذ، فذكر يوسف بن أبى الحسن الجيلانى رحمه الله وكان علامة العصاة الزيدية فى جميع الأقطار الخراسانية والديلمية والجيلانية، والمحافظ لعلوم آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم أجمعين، فقال ما مثاله:

اعلم أن الذى ذكر هذا القاضى من ذكر جواز الصلح مع الملاحدة هو غلط عظيم، وتوهين لأمر الدين؛ لأنهم دَمَرهم الله تعالى يحرصون على ذلك لما فيه من الظفر ببيغيتهم من المسلمين، ولما هيئوا من الإلزامات والشبهات والإشكالات والإيهامات التى إذا أوردوها على المسلمين لم يكذبوا يفكها إلا المتبحر فى أصول الدين، فقد حسم داءهم علماء أهل الشرع المبين، وأوهنوا أمرهم بتحريم المصالحة لهم، فذبل عود حيلهم فى صدورهم وخابت آمالهم، وكذبت ظنونهم أتعسهم الله تعالى وشدّد فى ذلك علماء أهل البيت عليهم السلام السابقون منهم، والمقتصدون أفنوا بتحريم مصالحتهم، والرؤية لهم مواجهة على طريق الهدنة، والدخول فى ديارهم، وغلظوا القول فى ذلك وشدّدوا، شدد الله وطأتهم، وأثار برهانهم.

فمن السابقين: السيد الإمام أبو الرضى المدفون بأسفجين من ناحية ديلمان، وكان قيامه قبل المؤيد بالله عليه السلام وقرأ السيد أبو طالب عليه السلام كتاب الأحكام للهادى عليه السلام وكان محبى علوم القاسمية قدّس الله أرواحهم وذلك الفتوى كان مشهوراً بناحية ديلمان على عهد خروج المؤيد بالله قدس الله روحه.

ومنهم: الحسين بن محمد بن أحمد بن الناصر للحق عليه السلام الخارج بهوسم، محبى دين أبيه الناصر للحق، وناعش دين الإسلام فى أيامه.

ومنهم: السيد الشهيد: الهادى إلى الحق ابن أبى الحسن الحقىنى عليه السلام وبلغ تشدده فى ذلك إلى أن قال: لما أخبرنا القاضى مروان الديلمى كاتب الملاحدة وراسلهم برقعة اتهموه بها، فغضب قدّس الله روحه غضباً حملاً على أن قال: اللهم، إنك تعلم أن يدي لا تبلغ إلى القاضى مروان، فإن كان هذا الذى رووه صدقاً فأحضره مجلسى هذا لأصلبه فيك ولك. فلم تمض أيام إلا قدر المسافة التى كانت بينه وبين القاضى مروان حتى حضر القاضى فى مجلسه، فأعجل فى صلبه وأعدمه الدنيا من ساعتها، وكان عليه السلام محبياً لمذاهب القاسمية رضى الله عنهم.

ومنهم: السيد الإمام أبو الرضى عليه السلام كان بناحية جيلان فى بلدة كيسم، وكان محبياً لعلوم الناصرية عمّر الله آثارهم مجاهداً للبلغاة والظلمة فى إحياء دين الله، وكان فقيهاً بارعاً، مصنفاً



فى فقه أهل البيت عليهم السلام وسيره وطريقه مستحسنة مشهورة، فجمع عليها فى عصره كل أهل المعرفة.

ومنهم: السيد أبو طالب الأخير عليه السلام الذى كان المحسن بن حسن رحمه الله داعياً له، وهو من أولاد المؤيد بالله عليه السلام وأطبق العلماء كافة على إمامته بعد أن اجتمع إليه خلق منهم وناظروه شهراً فبهرهم علمه وغطاهم فهمه، وكان قدس الله روحه محياً لدين آبائه قدس الله أرواحهم وبلغ تشدده فى هذا الشأن إلى أن أمر بقتل سبعة نفر كان أحدهم رأى ملحداً صلحاً، فلم يمكن تميزه فى ما بين السبعة لا يشته به ورد عليهم، فسئل عن ذلك، فقال القائل: والستة المقتولون فى الجنة والواحد فى النار.

ومنهم: السيد الإمام أشرف بن زيد الحسنى، القائم بجيلان، المدفون بتجن من ناحية جيلان نور الله ضريحه أمر بقتل من رضى ملحداً اختياراً وهدنة وتنهب أمواله وإحراق دوره.

فهؤلاء الذين سميهم الأئمة السابقون الذين لم يختلف أحد من الزيدية فى أيامهم فى صحة إمامتهم عليهم السلام فهذه فتواهم وهم قاسمية، وناصرية، ومجوية على ما قدمنا من إجراء حكم الكفار على من هادن الكفار وأنس بهم حتى يراهم هدنة وسلماً، والمساكل لهم والنازل فى دارهم أشد تمكناً من هذا، وهؤلاء عيون مرضيون، ولم يطالب أحد من أهل العلم القاسم بن إبراهيم بأن يخبره من قال بمثل قوله فى الفساق، وكذلك واصل بن عطاء فى المنزلة بين المنزلتين، ولا قيل لهم: هاتوا نصاً يحتتمل التأويل من الكتاب أو السنة المعلومة، وإنما يقال فى المسائل: ما الوجه فى هذا؟ ما الدليل عليه؟ ولم تتمكن من الاستقصاء، وإن كان السائل قد عول فى التوسيع، ولكن الجواب ما قال الهادى عليه السلام: ويح الشجى من الخلى. علم الله وكفى به عليمًا، لقد تركنا فى حال الاشتغال شطر هذه المسألة من الإجابة شيئاً نخشى الله فى تركها.

فأما الأئمة المقتصدون والعلماء المحصلون فهم الأتباع جملة، وإنما نذكر منهم عيونهم، ومن ذكره يوسف بن أبى الحسن الجيلانى عليه السلام فى جوابه للقاضى أبى مضر، تأكيداً فى مقابله، هل بهذا القول قائل؟ وإن كان به قائل فليذكر.

فمنهم: السيد الإمام الداعى الأعرج الجيلانى رحمه الله وكان قد بلغ فى العلم والاستقامة فى الدين مبلغاً فائقاً لا ينضب حصره.

ومنهم: السيد الإمام الناصر الرضى، وكان من أولاد الناصر عليه السلام وله تصانيف فى إحياء مذاهب أهل البيت عليهم السلام وكان زاهداً خشناً، بلغ مبلغاً فى الورع والكمال ما لا يقادر قدره، وكان مستوطنًا فى جيلان، وأمره هناك مشهور.

ومنهم: السيد الإمام أبو هاشم الديلمي التهجاني رحمه الله استشهد بأيدي الملاحدة لعنهم الله وقتلهم.

ومنهم: أبو حرب الجيلاني، والسيد الهادي الناصر رحمهم الله الهادي اسمه والناصر لقبه، قال يوسف الجيلاني رحمه الله: ولو حصرت أسماء جميعهم لبلغت عدداً جماً.

فأما العلماء الرشافة - قدس الله أرواحهم - في جيلان، وديلمان، فمنهم: الفقيه الإمام أحمد بن داعي الديلمي التهجاني رحمه الله وهو المعروف بدانشي وله تصنيف في ذلك سماه [كتاب (الحجج والبرهان)]، والفقيه الإمام شهردار التنهجي، والفقيه الإمام أبو الرضى الجيلاني رحمه الله والفقيه أبو منصور العالم الشيخ الفاضل، والفقيه زعيم الناصرية أبو يوسف بن علي جمال الدين الجيلاني، ووالد الفقيه أبي منصور علي بن أصفهان الديلمي الجيلاني، المهاجر لسبب العمل بهذه المسألة من الديلم إلى جيلان». (اصفهان ظاهراً به معنى انتساب به كوجصفهان، مكاني در شمال كوتم باشد كه در قرن ششم برادر والي كوتم، ساسان بن همام در آنجا امارت داشته است. بنگرید به: لاهیجانی، **جغرافیای گیلان**، ص ۲۲۸، ۳۰۱-۳۰۶).

در انتهای کتاب المذهب فی فتاوی الإمام المنصور بالله عبد الله بن حمزه تألیف محمد بن اسعد مرادی (تحقیق عبد السلام بن عباس الوجیه، صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، ۲۰۱۱/۱۴۲۱)، ص ۵۰۰-۵۰۱، بحثی توسط مرادی در خصوص حکم مجبره واحکام فقهی آن آمده که نام بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن در ضمن آن آمده و تا حدی می تواند مشرب فقهی او در خصوص مسئله تکفیر مجبره را نشان دهد. در بحث از اقوال مختلف در خصوص مجبره، مرادی از قول گروهی از عالمان زیدی بحث کرده که قائل به آن بوده اند که حکم مجبره و محل اقامت آنها، حکم اهل حرب است و این قول را مرادی به حسین بن ناصر للحق - فرزند بزرگ ناصر اطروش - نسبت داده و در ادامه عبارت حسین را با سلسله سند که نام بهاء الدین یوسف بن ابی الحسن دیلمی در ضمن آن آمده چنین نقل کرده است: «ومنهم من قال حکمهم حکم اهل الحرب، ومن قال بذلك الحسين بن الناصر للحق من اولاد الناصر الكبير، وروی الفقيه الأوحدهاء الدین یوسف بن أبی الحسن الديلمي والشيخ الجليل الحسين بن ابی خلف الجلیلی، كل واحد منهما عن مشائخه إلى القاضي زید (الكلاری) رحمه الله قال: سمعت مولانا الناصر للحق الحسين يقول: حکم المجبرة عندی حکم اهل الحرب، وكان يقول إن هذا مذهب الناصر للحق الحسن بن علی وثامة...».



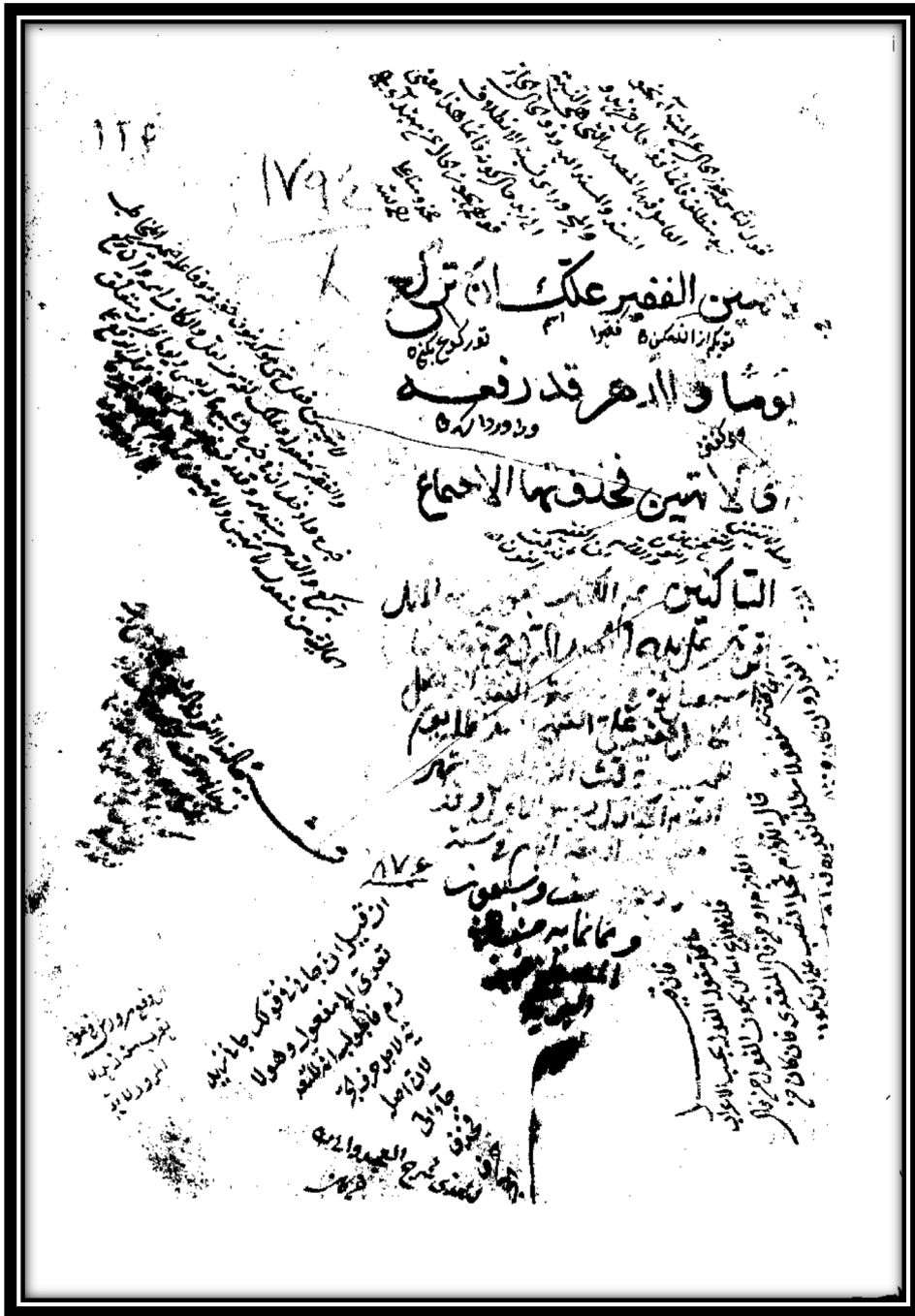
صفحه ای از تفسیر کتاب الله نسخه شماره ۱۲۵۶۶ کتابخانه

آیت الله العظمی مرعشی رحمته الله علیه که در فهرست به عنوان تفسیر کشف معرفی شده است.

نکته:

در نسخه های خطی خاصی باید به دنبال شیوه تعلیقه نویسی زیدیان ایران گشت که با نظام فکری - کلامی زیدیان ایران هماهنگی دارد. از جمله آثار زنجشیری که تعلیقات وی محل توجه فراوان زیدیان ایران بوده است. از جمله صمیم العربیه زنجشیری نسخه شماره ۱۷۹۴ کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.





انجام صمیم العربیه زمخشری نسخه شماره ۱۷۹۴

کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی رحمته الله

